[پگاه حوزه](http://www.hawzah.net/fa/magazine/numberlist/6436)  [آذر 1388 - شماره 62](http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/6436/7130/0)

**ضرورت و فلسفه تلبس**

**در گفت وگو با حجج اسلام حسین خانی، حق جو و عالم زاده نوری**

(قسمت دوم و پایانی(

|  |
| --- |
| **پس با این حساب کسی که ملبس می شود باید یک سری ویژگی هایی داشته باشد، این ویژگی ها از نظر شما چیست؟**  حسین خانی: حضرت امام فرمودند: «روحانیون باید طوری باشند که وقتی مردم ایشان را دیدند به یاد رسول خدا بیفتند». بنابراین تواضع، ساده زیستی، احترام به دیگران، از کسی توقع سلام نداشتن و... از ویژگی های مهم طلبه هاست. به لحاظ علمی هم واقعاً روحانی باید اطلاعاتش به روز باشد، همین که می بینید سطح سؤالات مردم بالا است و شما عقب مانده اید باید سعی کنید تا خودتان را به آن سطح برسانید. البته همه این شرایط بسته به جایی است که روحانی در آن قراردارد، اگر در روستا است، ممکن است در معرض سؤالاتی باشد، که در حد مسائل اولیه آن روستا است و شاید کسی باشد که به خارج از کشور رفته و در فضای خارج کار می کند، که ایشان باید خودش را به شرایط علمی که از ایشان توقع است برساند.  طبیعتاً مردم از یک روحانی توقع دارند که خودش را وقف مردم کند و همه همت اش را برای تقویت نیازهای علمی مردم به کار بگیرد. از نظر ظاهری آراسته باشد و آراستگی ظاهریش را در بدن و لباس رعایت کند.  حق جو: بنده معتقدم طلبه ای که می خواهد معمم شود، حداقل باید دو سال درس خارج رفته باشد، چرا که لمعه و اصول فقه فرد را مسلط به فقه و اصول نمی کند، همچنین است رسائل و مکاسب و کفایه، بلکه این موارد در کنار مطالعات جانبی است که فرد را آماده معمم شدن می کند. من اعتقادم براین است که طلبه ای که می خواهد معمم دائم باشد باید دو سال درس خارج دیده باشد تا بتواند لااقل 70 درصد نیازهای اجتماعی را پاسخگو باشد.  نکته دوم. طلبه باید در کنار برنامه درسی حوزه، مطالعات جانبی نیز داشته باشد. طبق محاسبه ای که من انجام دادم، درس های عمومی حوزه 110 روز، مدارس 200 روز و درس های خصوصی نیز 250 روز حداکثر زمان طلبه را به خود اختصاص می دهد. بنابراین در طول سال طلبه ها زمان بسیار زیادی را در پایه های مختلف حوزه در اختیار دارند که برای این زمان باید برنامه ریزی دقیق مطالعاتی داشته باشند، حداقل در روز دو ساعت مطالعات راهبردی و کاربردی داشته باشند. اکثر طلاب نسبت به موضوعات راهبردی و کاربردی آگاهی ندارند. معارف دینی، احکام الهی و مسائل اخلاقی، مسائلی است که باید آشنایی داشته باشند.  نکته سوم، طلبه ها باید در عرصه اخلاق عملی کار کرده باشند؛ هم در بعد اخلاق نظری و هم اخلاق عملی.  نکته چهارم، اطلاع دقیقی از تفسیر، عقاید، تاریخ، مسائل اجتماعی، سیاسی، خانواده و تربیتی داشته باشند. امروزه مردم با توجه به شرایط و رسانه هایی که در اختیار دارند، بسیاری از حرف های گذشته را برنمی تابند و لذا صرف خواندن حدیث و ترجمه آن، مردم را اغنا نمی کند. طلبه ها باید مسائل روان شناسی، جامعه شناسی و... را بدانند و اطلاعات عمومی در این زمینه ها را داشته باشند.  نکته، قدرت تعامل بر تعریف و تخریب دیگران را داشته باشد، یعنی اگر طلبه ای مورد تعریف دیگران قرار گرفت دچار غرور نشود و اگر تخریب شد از میدان به در نرود. ظرفیت تعامل بسیار مهم است و باید مدیریت بحران و پیروزی را داشته باشد.  نکته ششم، قدرت تحلیل مسائل را با آموزه های دینی داشته باشد تا بتواند از مباحث سیاسی - اجتماعی تحلیل درستی داشته باشد.  نکته هفتم، آرایش ظاهری، گفتاری، رفتاری و اخلاقی را داشته باشد تا بتواند در مواجهه با مردم جنبه ادب و تواضع را نسبت به تمام صنوف و اقشار جامعه حفظ کند و آنچه را که در اسلام بدان تأکید شده رعایت کند.  نکته هشتم، جذابیت، حوصله، دلسوزی، هوش و ذکاوت اجتماعی را در خود پیاده کند و بعد ملبس شود. اگر طلبه جذابیت و حوصله تعامل با مردم را نداشته باشد، این امر در چهره و صدای او نمایان و واضح می شود و همان طور که در مباحث روان شناسی اشاره شده، حالات افراد را می توان از چهره و تن صدای آنها تشخیص داد. اگر شخص عجله داشته باشد، در حالت او مشخص است. بنابراین هوش و ذکاوت در تعامل اجتماعی بسیار مهم است. زمانی که پیامبر اکرم از کوچه ها عبور می کردند، آن قدر جذاب بودند و نگاه دلسوزانه و مهربانانه داشتند که همه را جذب خود می کردند. و یا اینکه امیرالمومنین علی (ع) صحنه را مدیریت می کرد تا پیامبر آسیب نبیند یا اذیت نشود. یکی از شیوه های جذابیت سلام کردن، تبسم کردن، یا نگاه های دلسوزانه است.  در اینکه عالمان دین بدون داشتن نماد هم می توانند بخشی از وظایف خود را انجام دهند شکی نیست. اما همه بحث گذشته برای اثبات این مسئله بود که داشتن این نماد آنها را در انجام وظایفشان موفق تر می کند.  عالم زاده: حتی اگر «لباس روحانیت» ضرورت نداشته باشد از بهره های فراوان آن نمی توان چشم پوشی کرد و در مجموع، این لباس مورد توصیه است.  **آسیب های ممکن و موجود در ملبسین به لباس روحانیت کدام است؟**  حق جو: آسیب های فراروی طلاب قبل و بعد از ملبس شدن به لباس مقدس روحانیت عبارتند از:  1. توقف یا جهل، که البته ذو مراتب است؛ عدم دانش افزایی، تجربه افزایی و آشنا نبودن با متدها و روش های نوین ارتباطی و تبلیغ و تدریس؛  2. غرور؛  3. کاهش معنویت؛ بعضی آن قدر در مباحث درس و تبلیغ یا مسائل سیاسی و اجتماعی غرق می شوند، که مثلاً از نماز خود هم کم می گذارند و لذا کاهش معنویت بسیار حساس است؛  4. بی توجهی به مسائل اجتماعی؛ بعضی از افراد آن قدر غرق در حرم، جمکران، دعا، نماز، قرآن، و ذکر می شوند، که اصلاً از جامعه و اجتماع و آنچه در آن می گذرد غافل می شوند که این نیز یک آسیب و ضعف است، که متأسفانه بعضی از مجموعه های اجتماعی نیز ظاهراً مایل به چنین افراد و سوء استفاده از آنها می شوند؛  5. انحرافات اخلاقی است، که متأسفانه همانطور که در بعضی از اقشار دیده می شود، اکنون در بعضی از افراد روحانی نیز دیده می شود، از مسائل اقتصادی گرفته تا مسائل روحی اخلاقی و...؛  6. روشنفکرمآبی؛ حضرت امام (ره) فرمودند: «هرگاه دیدید دشمن از ما تعریف می کند، بدانید که ما از مواضع خودمان پایین آمده ایم». بعضی از طلاب جوان تا وارد مجامع علمی و دانشگاهی می شوند، کم کم به گونه ای عمل می کنند که اسلام را با تمام ایسم ها و نظریات غربی و شرقی همساز و همانند می کنند؛  7. بی توجهی به نیازهای اجتماعی؛ از ویژگی های استاد مطهری توجه به نیازهای جامعه بود. ایشان زمانی که به شهادت رسیدند، چهار یا پنج کتاب بیشتر نداشتند، که اکنون بالغ بر ده ها جلد کتاب می رسد که بیشتر آنها سخنرانی است، اما فراتر از یک سخنرانی معمولی؛ زیرا ایشان بسیار عمیق و دقیق بودند که با گذر زمان همچنان مورد توجه و اهتمام اقشار مختلف مردم است و این امر به خاطر این است که شهید مطهری از طرفی وارد جامعه شدند و از طرفی دیگر نیازهای جامعه را درک کردند. ایشان درد آشنا بودند و دنبال حل مشکلات. در شرایط فعلی اگر طلبه ای این دید را داشته باشد به نظر من خیلی بیشتر می تواند به اسلام و مردم خدمت کند. البته اکنون هم هستند طلابی که اینگونه فعالیت می کنند؛  8. بی توجهی به متدها و روش های نوین جذب و حفظ دینداران؛ یکی از اساتید تعریف می کرد که در سفری که به یکی از کشورهای غربی داشتیم، دو سه روز با علمای دینی آنجا جلسه گذاشتیم و با آنها درباره شیوه تبلیغ صحبت کردیم، که طلاب باید به این امر توجه داشته باشند. اوایل انقلاب برخی از طلاب با بهائیان مذاکره می کردند تا شیوه های مناظره، گفتگو و تحلیل را یاد بگیرند و این مشکلی است که ما اکنون در حوزه ها با آن مواجه هستیم؛ زیرا ما هنوز هم می خواهیم جلسات را به صورت سنتی اداره کنیم، در حالی که زندگی مردم الآن ساندویچی است، به دلیل عجله و فرصت اندکی که در جامعه امروز است، تبلیغ و احکام ما باید متناسب با اقشار و گروه های مختلف سنی، جنسی و متناسب با وقت آنها باشد.  امروزه ما با امکاناتی که در اختیار داریم نمی توانیم به شیوه های قدیم و سنتی اکتفا کنیم، چرا که جذب مخاطب در شرایط فعلی بسیار سخت بوده و نیازمند برنامه ریزی و تلاش و فکر است، تا با شیوه ها، متدها، ضرورت ها، نیازها و اولویت ها آشنا شوند تا بتوانند متناسب با شرایط روز ظاهر شوند؛  9. سوء استفاده از لباس؛ اگر چه کم و ناچیز است، اما به هر حال از اموری است که اصلاً نمی توان آن را تحمل کرد و باید به هر حال در حدّ ناچیزی هم که وجود دارد با تدابیر خاص از بین برود؛  10. تجمل گرایی و مادی گرایی، که متأسفانه دامن گیر طلاب نیز شده است. البته دلایل مختلفی دارد. مثلاً شخصی از خانواده ای متمول وارد حوزه می شود، که از تمام امکانات زندگی برخوردار بوده است، حال که با مشکلات مواجه می شود، کم کم توجیهات این امر را هم پیدا می کند.  **آیا ملبس شدن تمام فراگیرندگان علوم اسلامی حوزه ضرورت دارد؟**  حق جو: یکی از کارهای طلبه تبلیغ است، لذا کسی که وارد فعالیت های پژوهشی، تدریس و تدوین نمی شود، تبلیغ او هم بلا اثر است. بنابراین اگر کسی نمی خواهد صرفاً تبلیغ کند و وارد حوزه های علمیه می شود، اگر وارد مجامع غیرحوزوی شده و ملبس باشد، علاوه بر اینکه ملجاای برای دیگران می شود، علامتی هم برای دشمنان خواهد بود، که گسترش معارف دینی را در پی دارد و مقوم دین نیز می شود، مثلاً وقتی استاد فلسفه ای از حوزه فارغ التحصیل می شود، سطح علمی او بسیار بالا است و می تواند بسیار موثر باشد. بنابراین وارد شدن با لباس روحانیت در هر عرصه ای، اثر خاص خود را دارد؛ علاوه بر آثاری که برای فرد، جامعه و دین دارد، برای کسانی که طرف خطاب روحانی نیز هستند متفاوت است. همچنین وقتی که فرد از دین حرف می زند، مستمع توقع ندارد که نماد غیردینی در او ظاهر باشد، علاوه بر اینکه الآن فرهنگی توسعه پیدا کرده که می گوید: دین را فقط نباید روحانیون بگویند، استاد دانشگاه هم می تواند از دین بگوید، یک فرد مثلاً نظامی هم می تواند از دین بگوید، که متأسفانه اگر این حصار از بین برود، دیگر نمی توان از حریم دین دفاع کرد، چرا که همان طور که اسلحه را به دست غیرنظامی نمی دهند؛ تیغ جراحی را هم به دست غیرجراح نمی دهند. چون تخصص ندارد و اگر غیرمتخصصین وارد حصار دین شوند، و دین را به صورت وارونه تبیین کنند، کم کم معارف اصیل از عرصه خارج می شود و دین از هویت و محتوای خود تهی می گردد، چرا که جامعیت در غیرروحانیون نسبت به ابعاد مختلف دین وجود ندارد و اگر فضا آن قدر باز شود که مداح، قاری و استاد دانشگاه دین را تبیین کنند، افراط و تفریط و جهل مرکب و... در جامعه رواج می یابد و چون سیره مستمره بر این بوده است که متعلمین حوزه ملبس شوند، به دلیل آثار و نتایجی که دارد نظر من بر ملبس شدن همه متعلمین حوزوی است.  براساس فلسفه و ضرورت هایی که اشاره شد، ملبس بودن مطلوب است، مگر در مواردی که شخص تشخیص دهد که اگر ملبس نباشد بهتر می تواند خدمت کند.  **آیا معاونت تهذیب و به خصوص واحد تلبس مقررات خاصی در زمینه ملبس شدن دارند؟ و آیا محرومیت هایی نیز برای برخورد با آسیب های احتمالی اندیشیده شده است؟**  حسین خانی: در این خصوص آئین نامه تلبس مصوبه 347 شورای عالی حوزه های علمیه در سال 79 تصویب شده، اما بعد از آن کار جدی ای در این زمینه صورت نگرفته است. هر چند آن مصوبه در عین حالی که راهگشا بوده نواقصی نیز دارد، مثلاً گفته شده است: کسانی می توانند ملبس باشند که سطح یک را گذرانده باشند. خب آنجا نظر شورای عالی این بوده است که حتی پایه ای از سطح علمی مشخص را احراز کرده باشد، ولی به نظر می رسد که این امر مشکل آفرین است به این صورت که اتمام سطح یک به مقوله خارج شدن طلبه از مدرسه است و لذا وقتی که فرد از مدرسه خارج شود، دیگر جایی که بخواهد به این طلبه در این زمینه انگیزه بدهد وجود ندارد. در مدرسه جشنی گرفته می شود و انگیزه ایجاد می شود، اما وقتی که آزاد باشد این زمینه وجود ندارد.  از طرف دیگر اگر فرد در مدرسه ملبس شود، احیاناً اگر نیاز به تذکراتی باشد، در این زمینه مدیر، مسئولین و اساتید می توانند این امور را انجام دهند، ولی خارج از مدرسه این زمینه فراهم نیست.  مشکل دیگری که ایجاد می شود این است که بعضی خلاف قانون ها هم صورت می گرفت، چون شخص نمی توانست قبل از سطح یک معمم شود، اما بعضی از مدارس از پایه سه و چهار طلاب را معمم می کردند، به دلیل تشخیص منطقی که از این امر داشتند، ولی به هر حال تخلف قانونی بوده است.  مشکل دیگر اینکه در برنامه تلبس آیین نامه روشنی وجود نداشت که مثلاً فرد باید چه صلاحیت هایی داشته باشد و مهم تر اینکه چگونه احراز شود. چه آموزش هایی باید ببیند. مصاحبه با چه ویژگی هایی انجام شود. الآن شش، هفت ماهی است که واحد تلبس تدوین آئین نامه را به طور جدی در حال پی گیری است و بخش های زیادی از آن آماده شده و تقریباً حدود 90 درصد کار انجام شده است. و لذا برای تحقیقات و احراز صلاحیت های اخلاقی روال مشخصی در نظر گرفته شده است. برای مصاحبه روال مشخصی در نظر گرفته شده و دوره آموزشی خاصی تدارک دیده شده است.  مسئله اتمام سطح یک را به اتمام پایه پنج اصلاح کرده اند که امیدواریم به تأیید شورای عالی نیز برسد، که مشکلات بی انضباطی در امر تلبس نیز تا حدود زیادی برطرف شود. البته در خصوص اینکه اگر کسانی مقررات مربوط به تلبس را مراعات نکنند، چه تمهیداتی اندیشیده شود هنوز ورود نکرده ایم، ولی تقریباً در حال تکمیل است و امیدواریم به زودی زود برای تأیید شورای عالی آماده شود.  عالم زاده: امام صادق علیه السلام به یکی از یاران نزدیک خود فرمودند: الحسن من کل احد حسن و منک احسن، لمکانک منّا و القبیح من کل احد قبیح و منک اقبح، لمکانک منّا، کار خوب، از هر کس خوب است، اما از تو خوب تر است به جهت نسبتی که با ما داری. کار بد، از هر کس بد است و از تو بدتر به جهت نسبتی که با ما داری.  از آنجا که طلبه با این لباس به دین، وحی، نبوت و عصمت پیوند می یابد طلاب جوان وظیفه دارند از ملبس شدن، پیش از کسب نصاب شرایط علمی و عملی پرهیز نمایند، مسئولان حوزه هم باید بر این امر نظارت جدی داشته باشند.  حد نصاب شرایط علمی این لباس به صورت کلی «آشنایی با عقاید، احکام و اخلاق دینی» است. از آنجا که این لباس، لباس خدمت طلبه محسوب می شود طلبه باید ابزارها، توانمندی ها و آمادگی های لازم برای خدمت را در حدود متعارف و مورد انتظار دارا باشد. اندازه این دارایی بر حسب منطقه حضور روحانی نوسان دارد. طلبه ای که در یک روستای دورافتاده و فاقد امکانات حضور دارد با طلبه ای که در دانشگاه تدریس می کند در میزان آگاهی و آشنایی با دین بسیار متفاوتند. سقف انتظار مخاطبان از روحانی هم در این دو مرکز فرق می کند. قاعده کلی در تشخیص صلاحیت علمی این است که طلبه توان پاسخگویی مستقیم به 80 درصد از پرسش های مخاطبان خود را در زمینه علوم دینی داشته باشد نیز بتواند پاسخ سئوالات دیگر را با مراجعه به منابع، مراکز یا شخصیت های علمی معتبر استخراج و انتقال دهد.  حد نصاب شرایط عملی این لباس هم علاوه بر التزام کامل به واجبات و ترک کامل محرمات، آن است که عیب یا نقص شخصیتی قابل توجهی در وجود طلبه نباشد و از نظر رفتاری در میان نوع مردم صالح و شایسته به نظر آید. البته هیچ انسانی جز معصوم بدون کاستی نیست اما گاهی کاستی های شخصیت یک فرد به قدری آشکار است که به محض تصور او بلافاصله آن عیب ها به ذهن می آید و در پاسخ به سئوال «فلان کس چگونه فردی است؟» اولین جملات توصیف آن ناهنجاری ها است.  در این صورت پیوند این لباس با آن ناهنجاری های آشکار موجب هتک حرمت لباس و تضعیف جایگاه روحانیت است.  طلبه باید قبل از ملبّس شدن با مهم ترین اوصاف خود از زبان دوستان و نزدیکان آگاه شود و به این ترتیب صلاحیت خود را بازیابد و در یک کلام طلبه باید از نظر علم حوزوی و عمل دینی نسبت به اکثریت افراد جامعه خود برتری داشته باشد و در طول زمان هم این ویژگی را حفظ کند.  **سطح زندگی و رفتار اجتماعی طلبه**  طلبه حتی اگر توان مالی فوق العاده دارد در نوع مخارج زندگی نباید از سطح زندگی متوسط مردم بالاتر باشد بلکه شایسته است که اندکی پایین تر از این سطح قرار گیرد و تظاهر به هر عملی که با این فرمول هماهنگ نباشد با شأن حوزوی طلبه سازگار نیست.  منزل مسکونی، مرکب سواری، لباس، خوراک، هزینه مسافرت، پذیرایی از میهمان و.. طلبه همه باید با معیار «توده جامعه» تنظیم شود و بهره گرفتن از اسباب رفاهی ویژه ثروتمندان و مترفان برای طلبه مجاز نیست.  پس فعلاً شرط اساسی همان اتمام سطح یک است و شرط خاص دیگری به جز مصاحبه ندارد؟ آیا در برنامه جدید به گونه ای طراحی شده که آنچه را که لازمه یک فرد روحانی است را احراز کنید یا اینکه در طول دوره فرد آشنا شود و آن را کسب کند.  حسین خانی: ممکن است در دراز مدت به این مسئله برسیم که در طول تحصیل باشد، اما فعلاً یک دوره کوتاه مدت است که افراد ضروریات لازم را فرا می گیرند. به عنوان مثال دوره های قرائت نماز، دوره های تدریس، تجوید و صلاة که به صورت مختصر و مفید برگزار می شود. و نیز بحث های احکامی که شخص ملبس باید حتماً نسبت به آنها آگاه باشد. یکسری مسائل بایدها و نبایدهای اخلاقی است که طلبه ملبس باید حتماً با آنها آشنا باشد. بخشی از آن به مسائل اقتصاد و روحانیت برمی گردد، که بسیار جدی است و در زمینه های تبلیغی حتی جای کار دارد. به نظر می رسد موارد ذکر شده، لازم و ضروری است و مصاحبه نیز به گونه ای است که شرایط فرد حتماً احراز شود. |